



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز به مناسبتی یک بحثی از تهذیب الاصول امام رضوان الله علیه نقل کریم که یک بحث ادبی، قرانی و حدیثی می باشد، سابقاً در اصول می خواندیم که اگر کلمه در ما وضع له استعمال شود حقیقت است و اگر در غیر ما وضع له استعمال شود مجاز می باشد البته برای مجاز حدود ۲۰ الی ۲۵ علاقه ذکر شده که با وجود یکی از این علاقه ها می توان لفظ را در غیر ما وضع له استعمال کرد مثل "رأیت أسداً یرمى" که بخاطر شجاعت به اسد تشبیه شده البته سکاکی می گوید اگر استعاره نباشد و علاقه تشبیه باشد لفظ در ما وضع له استعمال شده در "رأیت أسداً یرمى" اسد در معنای حقیقی خودش استعمال شده منتهی ما ادعائاً می خواهیم بگوئیم زید نیز چون شجاع است مثل اسد می باشد، کم کم با پیشرفت فکر ها اینطور گفتند که می توانیم بگوئیم در تمام مجازات لفظ در ما وضع له استعمال می شود منتهی ادعائاً که البته این ادعا نیز در نظر عرف پذیرفته است مثلاً یک نفر زیبا که وارد می شود می گوئیم جائنی یوسف که در اینجا یوسف در معنای خودش استعمال شده منتهی چون زیبا است ما ادعائاً او را تشبیه به یوسف می کنیم و هر آنچه ما از اساتید خودمان دیده ایم همگی همین مبنی را اختیار کرده اند.

امام رضوان الله علیه فرمودند شیخ محمد رضا اصفهانی صاحب کتاب "وقایة الأذهان" فرموده در مجاز نیز لفظ در ما وضع له استعمال می شود منتهی با یک ظرافت و یک ادعا و بعد ایشان چند شعر ذکر کرده که امام رضوان الله علیه آنها را نقل کرده:

(۱) قَامَتْ تَظَلِّلِي وَمِنْ عَجَبٍ شمس تَظَلِّلُنِي مِنَ الشَّمْسِ

(۲) وَقَدْ زَرَّ أَرْزَارَهُ عَلَى الْقَمَرِ لَا تَعَجَبُوا مِنْ بَلِي غَلَالَتِهِ

خلاصه شیخ محمد رضا اصفهانی در وقایة الأذهان با تمسک به اشعار و غیره اثبات می کند که در مجاز نیز لفظ در ما وضع له استعمال می شود چه مفرد باشد و چه تثنیه و چه جمع منتهی

ادعائاً و بخاطر وجود ظرافت و لطافت خاصی اینطور استعمال شده.

امام رضوان الله علیه در ادامه می فرمایند در زمان هشام بن عبد الملک وقتی امام سجاد علیه السلام برای زیارت خانه کعبه آمد همه مردم صف بستند و راه را باز کردند تا حضرت آمد و به حجر الأسود رسید و آن را بوسید در حالی که جمعیت حتی به خود هشام راه ندادند! اطرافیان هشام پرسیدند این چه کسی بود که اینطور آمد و رفت جواب دادند نمی دانیم کیست، در اینجا فرزرق یک قصیده طولانی خوانده که در منتهی الآمال نیز نقل شده، در اول آن قصیده اینطور گفته شده:

هذا الذي تعرف البطحاء وطأته / والبیت يعرفه والحل والحرم

ما قال لا قط إلا في تشهده / لولا التشهد كانت لاؤه نعم

يغضي حياءً ويغضي من مهابته / فما يكلم إلا حين يبتسم

امام رضوان الله علیه می فرماید در "والبیت يعرفه" که در شعر فرزرق آمده در واقع بیت با اینکه از جمادات است ولی در معنای حقیقی خودش استعمال شده.

اینجا یک بحثی بوجود آمده، آیت الله طباطبائی در چند جای تفسیر المیزان فرموده همه موجودات علم دارند و همه موجودات خداوند را حمد و تسبیح می کنند و ما در عالم موجودی که علم و شعور نداشته باشد نداریم، به عنوان نمونه چند آیه ذکر می کنیم:

اول: ﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱

دوم: ﴿وَتَكَلَّمْنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۲

سوم: ﴿حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۳ ،

^۱ سوره نور، آیه ۲۴.

^۲ سوره یس، آیه ۶۵.

^۳ سوره فصلت، آیه ۲۰.

آیت الله طباطبائی در چند جای المیزان این بحث را ادامه داده و فرموده هر موجودی ولو جمادات سه چیز دارند؛ اول علم، دوم همه خداوند را تسبیح می کنند یعنی تنزیه خداوند متعال از نواقصی که دیگر موجودات دارند و سوم همه خداوند را حمد می کنند و حمد یعنی به جهت کمال خودشان نگاه می کنند و می بینند که این کمال از ناحیه خداوند آمده لذا او را حمد می کنند.

یک آیه ای که آیت الله طباطبائی خیلی در مورد آن بحث کرده این آیه است: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾^{*}، ایشان می فرماید تسبیح در این آیه مجاز نیست بلکه در معنای حقیقی خودش بکار رفته منتهی برای تسبیح فقط نیاز به زبان نیست بلکه همه موجودات به شکلهای مختلف خداوند متعال را تسبیح می کنند.

در آیات مختلفی از قران کریم نیز داریم که زمین و ماه مبارک رمضان و اعضاء و جوارح انسان و حتی زمان ها مثل طلوع و غروب خورشید در روز قیامت شهادت می دهند و اینها مجاز نیست بلکه خداوند اینها را طوری آفریده که درک و شعور دارند و خداوند را تسبیح و تحمید و تقدیس می کنند و ما با این دید باید به عالم و موجودات نگاه کنیم و این یک حقیقت است و بعد ایشان روایات زیادی از شیعه و سنی در اینکه موجودات حرف می زنند و تسبیح و تحمید خدا را می کنند نقل می کند مثل جریان سخن گفتن ستونی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد به آن تکیه می داد و یا سخن گفتن ریگها در دست ابو جهل که این را مولوی به صورت شعر درآورده:

سنگها اندر کف بوجهل بود

گفت ای احمد بگو این چیست زود

گر رسولی چیست در مشتم نهان

چون خبر داری ز راز آسمان

گفت چون خواهی بگویم آن چه هاست

یا بگویند آن که ما حقیق و راست

گفت بوجهل این دوم نادرترست

گفت آری حق از آن قادرترست
از میان مشت او هر پاره سنگ
در شهادت گفتن آمد بی درنگ
لا اله گفت و الا الله گفت
گوهر احمد رسول الله سفت
چون شنید از سنگها بوجهل این
زد ز خشم آن سنگها را بر زمین

بنابراین آیت الله طباطبائی یک فتح بابی کرده و می فرماید طبق آیات قران کریم و روایاتمان تمام موجودات ولو جمادات فهم و شعور و درک دارند و تسبیح و تحمید خدا را می کنند. بقیه بحث بماند برای بعد از تعطیلات إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

* سوره اسراء، آیه ۴۴.